



آسیب‌های تدریجی

به سفید پوشان پایتخت

هوا صاف باشد یا آلوده، گرم باشد یا سرد فرقی به حالشان ندارد، نه اینکه جنسشان از فولاد باشد بلکه ناگزیر از حضورند.سفیدپوشان پلیس راهور در طول شبانه روز سر هر چهارراه یا بدر هر خیابان و بزرگراهی حضور دارند.وظیفه‌شان برقراری انضباط ترافیکی و برخورد با باندگان متخلف در روزانه ۵ یا ۶ساعت ایستادن پایتخت، اما میزان این دشواری سقف ندارد. آسمان شهر به شدت آلوده و خیابان‌ها و بزرگ‌راه‌ها متراکم از خودرو شده است. در ست استت بابت کاری که می‌کنند حقوق می‌گیرند، اما راستش را بخواهید می‌خواهم دفاع کنم‌از دشواری کاری کهسفیدپوشان شهردمان دارند.هر چه وضعیت هوا یا ترافیک شهر بحرانی تر باشد باید زمان بیشتری را در خیابان‌ها حضور داشته باشند. روزانه ۵ ساعت ایستادن نفس کشیدن در هوای آلوده و تلاش برای باز کردن گم‌راهی ترافیک و جدل با رانندگان متخلف، پیامدهای ناگواری می‌تواند به همراه داشته باشد. دشمنان رایک روز جای آنهاپاک‌زایم.منصفانه‌که‌نگاه کنیم، خواهیم دید که یک مأمور پلیس راهور روزانه حدود ۶ساعت در معرض مستقیم هوای آلوده‌است که می‌تولد به‌بیماری تنفسی منجر شود.ایستادن در همان میزان ساعت می‌تواند منجر به بیماری ستون فقرات یادرد یامیخچه‌یاو آلودگی صوتی هم می‌تواند اعصاب و روان او را هدف قرار دهد.اعمال قانون کردن رانندگان متخلف هم گاهی منجر به جراحت مأموران پلیس می‌شود.این موضوع درباره‌رانندگانی مصافق دارد که تخلف کردن را حق خودشان می‌دانند و زمانی که در تله قانون گرفتاری می‌شوند مأمور پلیس را هدف قرار می‌دهند. چانه‌زنی با رانندگان دیگر هم بخشی از روزمرگی مأموران پلیس است.اگر خودروی راننده‌ای که با وسیله‌نقلیه فرسوده هزینه خانواده‌اش را تأمین می‌کند توقیف شود خانواده‌ای در معرض فروپاشی قرار خواهد گرفت و اگر توقیف نشود قانون اجرا نشده است.زند یک ماسک که برای شهروندی عادی هم کارایی ندارد و استفاده از دستکشی سفید که مانع اجرای اعمال قانون است و بعد از چند ساعت نشانی از سفیدی هم ندارد، نمی‌تواند مابقی عمر نفوذ سیاهی‌های هوا شود.میزان این آسیب‌ها اما در همه نقاط شهر به یک اندازه نیست. وضعیت در مناطقی مثل منطقه ۱۲ تهران به دلیل وجود پارک و مراکز مهم دولتی و محدودهای مثل میدان آزادی به‌خصوص زیر گذر آن به عنوان یکی از مهم‌ترین خروجی‌های پایتخت بحرانی‌تر است. مخلص کلام اینکه سلامت جسم و روان سفیدپوشان پایتخت به دلیل قرار گرفتن در معرض انواع آسیب‌ها مدام در خطر است. آنها را در بایید.

تفریح مر گبیار دختر جوان

دختر جوانی که هم‌راه پسر مورد علاقه‌اش برای تفریح به پارک جنگلی در تهران رفته بود به طرز مر موزی فوت کرد.
به گزارش خبرنگار ما، طهر دیمروز قاضی منافی ادر، بازپرس کشیک ویژه‌قتل دلسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک دختر جوانی در یکی از بیمارستان‌های تهران با خبر شد. برررسی‌ها نشان داد دختر فوت شده چند روز قبل همراه پسر مورد علاقه‌اش برای تفریح به یکی از بوستان‌های جنگلی تهران رفته که ناگهان حالش بد و به بیمارستان منتقل می‌شود. وی پس از چندروز بستری ظاهر بی‌روزر به کام مرگ می‌یود. پس از اعلام این خبر جسد دختر جوان برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

شلاق و تبعید مجازات زن و مرد خیانتکار

با نقض حکم مرگ استاد دانشگاه و زن محقق که به اتهام رابطه‌ای سیاه بازداشت شده بودند پرونده بار دیگر رسیدگی شدو در نتیجه به شلاق، انفصال از خدمت و تبعید محکوم شدند.
به گزارش خبرنگار مسا، اوایل سال ۹۴، مردی با مراجعه به اداره پلیس از همسرش به اتهام رابطه پنهانی وی با مردی غریبه شکایت کرد. او گفت: «همسرم کارمند وزارت علوم است و روی یک پروژه کاری می‌کند. او برای اجرای پروژهاش از یک استاد دانشگاه که مردی جوان است کمک گرفت. من به ارتباط آنها مظنون شدم و بعد از نصب دوربین در خانه‌ام…»

بعد از طرح شکایت زن و مرد جوان بازداشت شدند، اما مدعی شدند از تباط آنها کاری بوده است. با کامل شدن بررسی‌ها پرونده در شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد و دو متهم بار دیگر در جریان ارتکار کردند. زن جوان بعد از دیدن فیلم به جر مجرمش اعتراف کرد. ولی استاد دانشگاه همچنان جرمش را ارتکار کرد. ولی قضات دادگاه اما بعد از شور و متهم را به مرگ محکوم کردند. با اعتراض متهمان به رأی دادگاه پرونده در دیوان عالی کشور بررسی و با نقض حکم پرونده به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران در ریاست قاضی بابایی فرستاده شد. در جلسه رسیدگی مرد جوان بار دیگر جرمش را ارتکار کردند. زن جوان بار دیگر ماجرا را بر ملا کرد. در پایان هیئت قضایی بعد از آخرین دفاع متهمان، هر یک را به ۹۹ضربه شلاق و دوسال انفصال از خدمت محکوم کرد. همچنین هیئت‌قضایی استاد دانشگاه، نیز به دو سال تبعید به یکی از شهرهای جنوبی کشور محکوم کرد.

زن شیشه‌های که ادعا کرده شش‌سال قبل سردی مواد فروس را در در اسلامشهر به قتل رسانده می‌گوید به علت سردی هوا و نداشتن جای خواب ادعای قاتل بودن کرده تا شاسب را در کلاتری به صبح برساند. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۳۰ دقیقه بمبادا دیروز زن جوانی به کلاترسی ۱۳۲ نبرد رفت و گفت شش سال قبل مردی مواد فروش را به قتل رسانده است.

وی در توضیح ماجرا گفت:من خنابم در شهرستان شهریار است و چندین سال است معناد به مواد مخدر شیشه هستم. گاهی اوقات آنقدر مصرف می‌کنم که تا صبح بیدارم و داخل خیابان‌ها و جاده‌ها پیاده روی می‌کنم. امشب مقدار زیادی شیشه در خانه‌ام مصرف کردم. بی‌خوابی عجیبی به سراغم آمد به همین دلیل از شهریار تا تهران پیاده آمدم. وقتی به تهران رسیدم صحنه قتل‌ی که شش سال قبل رقم زده بودم به فکرم رسید و عذاب

گفت‌وگو با متهم خودت را معرفی کن؟
مهنز هستم ۳۴ ساله. **چند سال معناد به شیشه هستی؟** حدود ۱۱ سال است که شیشه مصرف می‌کنم. **شهر داری؟** طلاق گرفته‌ام. شوهرم وقتی همید که معناد به شیشه هستم از من خواست به خاطر زندگی‌ام و پسرم که الان کلاس ششم ابتدایی است مواد را ترک کنم. اما من ادامه دادم و او هم مرا اطلاع داد. **چه شد که معناد شدی؟**



صاحب یک آموزشگاه رانندگی که ۱۰سال قبل دو نفر از شر کاش را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌است، در حالی که طناب در روی گردنش قرار داشت، با پرداخت ۲۰۰میلیون تومان به قتل خود اعراف کرد و در شرح ماجرا گفت: «یک‌سال قبل با پیمان و بهزاد به صورت شرانکی آموزشگاه رانندگی را تأسیس کردیم و مشغول کار شدیم. همه چیز خوب بود تا اینکه سر سبم شرکت به اختلاف خوردیم.از صحبت‌های آنها فهمیده بودم کلاتری ۱۷۶ حسن آباد، از قتل دو مرد جوان در یک آموزشگاه رانندگی در قشاقویه باخبر و راهی محل شدم. آموزشگاه‌اش می‌داد دو مرد جوان به نام‌های پیمان و بهزاد از شرکای آموزشگاه هستند که با شلیک گلوله به قتل رسیدند. واحدشریک دیگر آموزشگاه نیز بعد از حادثه متواری شده است. با انتقال اجساد به پزشکی قانونی، مأموران در اولین

گفت‌وگو با متهم خودت را معرفی کن؟

مرگ زن تنها در خانه‌اش

زن تنهایی در خانه‌اش به طرز مشکوکی به کام مرگ رفت، جسد وی به دستور بازپرس جنایی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۶:۳۰ صبح دیروز قاضی دشتیان، بازپرس ویژه قتل دلسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاترسی ۱۹۰ مجید به از مرگ مشکوک زن تنهایی در خانه‌اش با خبر و همراه کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه با جسد زن ۴۰ساله‌ای به نام ماهرخ روهبرو شدند که به طرز مرموزی در خانه‌اش به کام مرگ رفته بود. نخستین بررسی‌ها نشان داد وی زن تنهایی بوده تا اینکه دقایقی قبل به مأموران پلیس خبر می‌دهد.

وی گفت: من از بستگان نزدیک ماهرخ بودم. از آنجایی که او تنها بود هر چند روز یکبار من به او سر می‌زدم. دقایقی قبل به خانه او آمدم که متوجه شدم حالش بد است. ماهرخ توان حرف زدن نداشت که احتمال دادم مقداری قرص مصرف کرده است. هنوز لحظاتی نگذشته بود که ناگهان فوت کرد و من هم بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم.

در ادامه جسد زن میانسال برای مشخص شدن علت اصلی فوت به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات تاروشن شدن زوایای پنهان این حادثه ادامه دارد.

حواشات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۳۵

زن شیشه‌ای: به قتل دروغین اعتراف کردم تا شب را در کلاتری بخوابم!

وجدان گرفتم.ابتدایمی‌کردم دوباره فراموش کنم اما عذاب وجدان رهایم نکرد تا اینکه تصمیم گرفتم به کلاترگی بیایم و به قتل اعتراف کنم. وی در باره حادثه گفت: سال ۹۰ بود و من از مردی به نام کاوه شیشه تهیه می‌کردم.یکی از شب‌ها برای خرید مواد به خانه کاوه رفتم.وقتی مواد را خریدم از او خواستم اجازه بدهد تا در خانه‌اش مصرف کنم و بعد بیرون بروم. کاوه قبول کرد و مرا به زیرزمین خانه‌اش برد. در حال مصرف مواد بودم که متوجه نیت شومم او شدم.او قصد داشت به من تجاوز کند که با چاقویی به او حمله کردم و او را به قتل رساندم.پس از مصرف مواد از خانه او خارج شدم. پس از حادثه ابتدا عذاب وجدان گرفتم، اما کم‌کم فراموش کردم تا اینکه امشب دوباره عذاب وجدان به سراغم آمد و تصمیم گرفتم به قتل اعتراف کنم. پس از اعتراف زن شیشه‌ای مأموران درباره حادثه دست به تحقیق زدند. بررسی‌ها نشان داد در تاریخ هفتم شهریور ماه سال ۱۳۹۰ مأموران پلیس جسد

دوستان ناباب دوستان زیادی داشتم که با آنها رفت و آمد می‌کردم. شوهرم خیلی مخالفت می‌کرد، اما من عاشق خوشگذرانی بودم و به حرف‌های او توجهی نمی‌کردم. اولین بار در بزم دوستانه‌ای شیشه به من تعارف کردند و من هم مصرف کردم.هیچ وقت فکر نمی‌کردم معناد شوم، اما ناگهان متوجه شدم در اعتیاد غرق شدم. کاوه را می‌شناختمی؟ بله، از او مواد می‌خریدم. چرا او را به قتل رساندی؟ من او را به قتل رساندم. چرا شب قبل در کلاتری اعتراف به قتل کردی؟

من گاهی آنقدر مصرف می‌کنم که تمر کزی روی رفتار و اعمالم ندارم. یعنی در توهم کامل به سر می‌برم به‌طوریکه شب تا صبح را بیدار می‌روم می‌کنم. بعضی شب‌ها از شهریار تا جاده قم و گاهی هم تا کرخ پیاده روی می‌کنم. شب قبل خیلی مواد مصرف کردم و در توهم شیشه از خانه بیرون آمدم و به صورت پیاده راهی تهران شدم. وقتی به تهران رسیدم نیمه شب بود و هوا هم سرد شده بود. خوابم گرفته بود، اما جایی برای خوابیدن نداشتم و از طرفی هم در سرما داخل خیابان و پارک نمی‌توانستم بخوابم. به همین دلیل

از سوی مأموران ادامه دارد.

من گاهی آنقدر مصرف می‌کنم که تمر کزی روی رفتار و

اعمالم ندارم. یعنی در توهم کامل به سر می‌برم به‌طوریکه

شب تا صبح را بیدار می‌روم می‌کنم. بعضی شب‌ها از شهریار تا جاده قم و گاهی هم تا کرخ پیاده روی می‌کنم. شب قبل خیلی مواد مصرف کردم و در توهم شیشه از خانه بیرون آمدم و به صورت پیاده راهی تهران شدم. وقتی به تهران رسیدم نیمه شب بود و هوا هم سرد شده بود. خوابم گرفته بود، اما جایی برای خوابیدن نداشتم و از طرفی هم در سرما داخل خیابان و پارک نمی‌توانستم بخوابم. به همین دلیل

از سوی مأموران ادامه دارد.

من گاهی آنقدر مصرف می‌کنم که تمر کزی روی رفتار و

اعمالم ندارم. یعنی در توهم کامل به سر می‌برم به‌طوریکه

شب تا صبح را بیدار می‌روم می‌کنم. بعضی شب‌ها از شهریار تا جاده قم و گاهی هم تا کرخ پیاده روی می‌کنم. شب قبل خیلی مواد مصرف کردم و در توهم شیشه از خانه بیرون آمدم و به صورت پیاده راهی تهران شدم. وقتی به تهران رسیدم نیمه شب بود و هوا هم سرد شده بود. خوابم گرفته بود، اما جایی برای خوابیدن نداشتم و از طرفی هم در سرما داخل خیابان و پارک نمی‌توانستم بخوابم. به همین دلیل

از سوی مأموران ادامه دارد.

من گاهی آنقدر مصرف می‌کنم که تمر کزی روی رفتار و

اعمالم ندارم. یعنی در توهم کامل به سر می‌برم به‌طوریکه

شب تا صبح را بیدار می‌روم می‌کنم. بعضی شب‌ها از شهریار تا جاده قم و گاهی هم تا کرخ پیاده روی می‌کنم. شب قبل خیلی مواد مصرف کردم و در توهم شیشه از خانه بیرون آمدم و به صورت پیاده راهی تهران شدم. وقتی به تهران رسیدم نیمه شب بود و هوا هم سرد شده بود. خوابم گرفته بود، اما جایی برای خوابیدن نداشتم و از طرفی هم در سرما داخل خیابان و پارک نمی‌توانستم بخوابم. به همین دلیل

از سوی مأموران ادامه دارد.

من گاهی آنقدر مصرف می‌کنم که تمر کزی روی رفتار و

اعمالم ندارم. یعنی در توهم کامل به سر می‌برم به‌طوریکه

از افزایش مصرف مخدر «گل»

میان دانش آموزان

سختگویی سستاد مبارزه با مواد مخدر از افزایش مصرف مواد مخدر بین دانش آموزان خیر داد. پرویز افشار در نشست خبری خود به خبرنگاران گفت: در ۸ ماهه سال جاری تعداد مرگ و میر ناشی از سوء مصرف مواد مخدر ۱۹۸۸ نفر بوده است. این در حالی است که در سال ۹۵ تعداد این مرگ و میرها ۲۱۰۶ مورد بوده که حکایت از ۵/۴ درصد کاهش است. سختگوی سناد مبارزه با مواد مخدر تصریح کرد: تا اواسط مهر جاری در مجموع ۳۶ هزار و ۳۹۰ ابتلا به ایدز در کشور ثبت شده که تعداد فوتی‌ها ن از در سال‌های اخیر در مجموع ۹ هزار نفر بوده است.

افشار گفت: در سال ۱۳۹۰، در جمعیت دانشجویی کشور ۱۲/۶درصد معناد در بین دانشجویان زیرمجموعه علوم و تحقیقات و فناوری و ۱/۶درصد معناد در بین دانشجویان متعلق به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سوء مصرف مواد مخدر وجود داشته است. این در حالی است که در سال ۹۵، شاهد افزایش مواد مخدر به ویژه ماده مخدر گل در بین دانشجویان و دانش آموزان بوده‌ایم. وی افزود: ۲درصد جامعه دانش آموزی (مقطع دوم متوسطه) تجربه حداقل یکبار مصرف مواد مخدر را داشته‌اند. سختگوی سستاد مبارزه با مواد مخدر اظهار داشت: کماکان سن اعتیاد در کشور بین ۲۱ تا ۲۴ و سن شروع مواد مخدر در نقاط مختلف کشور متفاوت است به طوریکه مصرف ماده مخدر گل در سنین ۱۵ و ۱۶ سال هم وجود دارد اما وابستگی به مواد مخدر در کشور همان سنین ۲۱ تا ۲۴ سال است. معاون کاهش تقاضا و مشارکت‌های مردمی سناد مبارزه با مواد مخدر گفت: متأسفانه ماده مخدر گل به جایگاه دوم مصرف مواد مخدر در کشور ارتقا پیدا کرده که دلیل آن گرانی ماده مخدر شیشه، تحولات بین‌المللی باندهای مواد مخدر و انهدام کارگاه‌های تولیدکننده است.

زندانی شدن به خاطر نداشتن

هزینه کفن و دفن همسر

مدیرعامل سستاد دیه استان همدان گفت: یک مرد ۴۵ساله به علت ناتوانی در پرداخت بدهی بابت هزینه درمان و کفن و دفن همسرش، راهی زندان شد.
یدالله روحانی‌منش به ایرنا گفت: این مرد برای تأمین هزینه مدافای همسرش که به سرطان مبتلا بود، اقدام به دریافت وجه نقد در قالب قرض از بستگانی می‌کند. اما همسرش پس از تحمل سال‌ها بیماری، جان خود را از دست می‌دهد و این مرد که پولی برای کفن و دفن همسرش نداشت، از بستگان خود قرض گرفته و به آنها سفته می‌دهد. وی بدهی این مرد را ۲۱میلیون و ۱۳۰ هزار تومان اعلام و اضافه کرد: این مرد کارگر فصلی و دارای دو فرزند خردسال است و پیش از زندانی شدن در منزل پدری سکونت داشت. روحانی منش اضافه کرد: پس از تشکیل پرونده قضایی، این فرد به تحمل حبس محکوم و از اواسط آذرماه سال جاری راهی زندان شد.

مرگ خاموش مادر و فرزند

مسار و پسر نوجوان در جریان حادثه گازگر قتلگی در شهرستان نهاوند کشته شدند. سرهنگ منصور ملکی، فرمانده انتظامی شهرستان گفت: در جریان این حادثه که روز گذشته اتفاق افتاد، مادر ۳۸ساله و پسر ۱۱ساله به علت استنشاق گاز مونواکسید کربن فوت شدند. وی علت حادثه را در رفتگی اولیه بخاری و انتشار گاز مونواکسید کربن در فضای خانه اعلام کرد.

زخمی شدن ۳ کارگر بخار در انفجار دیگ بخار



سختگویی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران زخمی شدن سه‌زن در انفجار یک کارگاه گاز تولید پوشاک خیر داد. جلال ملکی گفت: این حادثه ساعت ۱۳:۱۴ روز گذشته در ساختمان یکی از خیابان‌های لیعصر نرسیده به خیابان جمهوری اتفاق افتاد. وی ادامه داد: لحظاتی بعد از حادثه آتش‌نشنان از دو ایستگاه به محل اعزام شدند و مشخص شد این انفجار در واحد ۲۰متری و طبقه اول ساختمان چهار طبقه رخ داده است. این واحد تبدیل به کارگاه تولید پوشاک شده و انفجار شدیدی در آن رخ داده بود. شدت انفجار به گونه‌ای بود که شیشه‌ها و در و پنجره واحد شکسته و بخشی از دیوارهای واحد نیز آسیب دیده بود. سختگوی آتش‌نشانی گفت: سه‌خانم جوان در این کارگاه مشغول کار بودند که بر اثر انفجار از ناحیه سر و صورت به شدت دچار آسیب شدند و همچنین آتش‌نشانی آنها را تحویل عوامل اورژانس دادند. همچنین نزدیک ۲۰ نفر که در طبقات دیگر حضور داشتند با کمک عوامل آتش‌نشانی بدون آسیب از ساختمان خارج شدند. ملکی درباره علت حادثه نیز گفت: بررسی کارشناسان نشان داد که حادثه به دلیل انفجار دیگ بخار رخ داده است.

بازداشت سارقان مسلح طلافروشی

یک مغازه طلافروشی در چهارراه مرادی پندربعباس روز دوشنبه مورد سرقت مسلحانه قرار گرفت. سارقان حدود ساعت ۱۰صبح دوشنبه با استفاده از سلاح گرم به یک مغازه طلافروشی در مرکز شهر پندربعباس حمله کردند و با یک دستگاه خودروی پژو متواری شدند. لحظاتی بعد مأموران پلیس در محل حاضر شده و بعد از چند ساعت تحقیق ۱سارق مسلح را که در یکی از روستاهای اطراف پناه گرفته بودند بازداشت و طلاهای سرقتی را کشف کردند.